

تنگنای زیست جهان سالمندی

مطالعه کیفی بازتاب تورم اقتصادی در زندگی روزمره بازنشستگان

حسین افراسیابی* ، مریم بهارلوئی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۳۰

چکیده

تورم و گرانی بر زندگی روزمره بازنشستگان به عنوان یکی از گروه‌های کم‌درآمد و آسیب‌پذیر فشار وارد می‌کند و کنش‌ها و تعاملات اجتماعی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف ما در این مطالعه، فهم تجربه بازنشستگان از تورم اقتصادی و پیامدهای آن در زندگی روزمره آنهاست. رویکرد پژوهش، کیفی و روش اجرای آن نظریه داده‌بنیاد بر ساخت‌گرا است. مشارکت‌کنندگان را با روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی انتخاب و برای گردآوری داده‌ها با ۳۳ نفر از بازنشستگان سازمان‌های مختلف مصاحبه کردیم. با استفاده از تکنیک کدگذاری نظری، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و ۷ مقوله ساخته شد. این مقوله‌ها عبارتند از: سازگاری معیشتی، کاهش توان حمایت از فرزندان، دشواری انتظارات فرزندان، فرسایش روانی، کاهش همبستگی اخلاقی، محدودسازی تعاملات و فرسایش هنجاری. مجموعه این مقوله‌ها که بازنمای تجربه و تفسیر سالمندان بازنشسته از تورم است، نشان داد که زیست جهان مشارکت‌کنندگان در ابعاد مختلف ذهنی، عاطفی، هنجاری و تعاملی، تحت تأثیر تورم قرار گرفته است و آن را در قالب تنگنا تجربه می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: تورم اقتصادی، گرانی، بازنشستگان، سالمندان، زیست جهان

مقدمه

تورم اقتصادی و گرانی، زندگی بسیاری از افراد را دچار تغییر می‌کند. در جریان موج‌های تورمی و گرانی، برخی از مردم سود می‌برند و کالاهای خود را با قیمت بالاتر می‌فروشند و بسیاری دیگر از مردم تحت فشار قرار می‌گیرند. به همین دلیل است که برخی در انتظار و استقبال از تورم می‌نشینند و برخی با وزیدن نسیمی از تورم به لرزه می‌افتند. تورم در هر اقتصادی نشان دهنده وجود نارسایی‌هایی در آن اقتصاد است و هزینه‌های فراوانی بر اقتصاد تحمیل می‌کند (بختیاری، ۱۳۸۵: ۶). تورم از یکسو، موجب تحمیل هزینه‌های رفاهی بر مصرف‌کنندگان از طریق کاهش ارزش دارایی‌های مالی و بنابراین کاهش قدرت خرید آنها می‌شود و از سوی دیگر با ایجاد نااطمینانی در تصمیم‌گیری مؤسسات برای سرمایه‌گذاری و ایجاد هزینه‌های دیگر، زیان‌هایی را بر تولیدکنندگان تحمیل می‌کند (عرفانی و همکاران، ۱۳۹۵).

تورم در اقتصادهای مختلف بویژه در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته بصورت مکرر اتفاق می‌افتد. این پدیده تحت تأثیر عوامل مختلفی است، هرچند براساس فرضیه جهانی شدن تورم، عوامل مؤثر بر تورم به طور فزاینده‌ای جهانی شده است (Hattori et al, 2016: 7). بر اساس اعلام مرکز آمار ایران نرخ تورم کلی کشور در سال ۱۳۹۸ به ۳۷,۶ درصد رسیده است. درصد تغییر شاخص کل نسبت به ماه مشابه سال قبل ۴۹,۳ درصد است. نرخ تورم خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات کل کشور ۵۶,۴ درصد و نرخ تورم کالاهای غیرخوراکی و خدمات کل کشور ۳۰,۱ درصد است (مرکز آمار ایران، خرداد ۱۳۹۸). این نرخ تورم مختص دوره فعلی نیست و در دهه‌های گذشته به صورت مرتب تکرار شده است. نگاهی به آمارهای چند دهه اخیر نشان می‌دهد گرانی و تورم به واقعیتی جدایی ناپذیر از اقتصاد ایران تبدیل شده است. دولت‌ها، نهادهای مالی، شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران و شهروندان از تورم تأثیر می‌پذیرند. در این میان کسانی که در طبقات پایین قرار دارند و یا در سنین بالا و

بازنشستگی هستند، بیش از دیگران اثرات تورم را بر زندگی روزمره خود احساس می‌کنند. بازنشستگان و سالمندان، به دلیل عدم توان و فرصت جبران فشارهای ناشی از تورم و گرانی و همچنین افزایش هزینه‌های درمانی و رفاهی، تاثیرات منفی تورم را بیشتر تجربه می‌کنند. بنابراین هرچند تورم و گرانی همه گروه‌های اجتماعی را متأثر می‌کند، اما بازنشستگان در این میان آسیب پذیرترند. تورم رابطه متقابل میان دو نسل در جامعه را هم تغییر می‌دهد و به نسل جوان نوعی برتری بر نسل قدیمی می‌بخشد. اقتصاددانان از مدت‌ها قبل این نکته را گوشزد کرده بودند که تورم به خصوص بیشتر به سالمندان جامعه آسیب می‌زند، و نمی‌توانند پا به پای تورم درآمدشان را افزایش دهند.

در فضای تورمی تمام صفات مثبت مسن‌ترها کم‌کم تبدیل به مشکل می‌شود. محافظه کاری و سنت گرایی باعث می‌شود واکنش نشان دادن به شرایط متغیر اقتصادی غیر ممکن شود. علاوه بر تمام آثار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حتی روانشناختی تورم، تورم باعث کاهش حس ادراک واقعیت می‌شود. در دنیای تورمی واقعیت کم‌کم تقلیل پیدا می‌کند (کانتور و کاکس، ۱۳۹۴:۵۲۵). تورم بر همه به یک شکل اثر نمی‌گذارد و اصولاً قادر به چنین کاری نیست. عده‌ای بیش از دیگران زیان می‌بینند. تورم معمولاً درصد مالیات بالاتری را بر فقرا در مقایسه با ثروتمندان وضع می‌کند، چون آن‌ها ابزارهای یکسانی برای محافظت از خود با استفاده از خرید بورس بازانه سهام ندارند (هازلیت، ۱۳۹۱:۲۱۶).

تحقیقات زیادی بویژه با رویکرد اقتصادی در مورد تورم انجام شده است (Hattori et al, 2016; et al, 2017 Auer; Kamber & Wong, 2018)؛ همکاران، ۱۳۹۳؛ جعفری صمیمی و حنجری، ۱۳۸۸؛ نیکواقبال، ۱۳۸۸). اما جنبه‌های اجتماعی تورم و مطالعه تورم از نگاه خود کنشگران درگیر در شرایط تورمی از مباحث جدید است. در این پژوهش قصد داریم تا با رویکردی کیفی و نگاهی جامعه‌شناسانه، تجربه و تفسیر بازنشستگان از تورم را از نگاه خود آنها که یکی از قشرهای آسیب پذیر

در زمان تورم و فشار اقتصادی هستند، توصیف کنیم. بنابراین هدف ما در این پژوهش فهم تجربه بازنشستگان از زندگی در تورم اقتصادی است. ضرورت انتخاب بازنشستگان به عنوان جامعه آماری و مشارکت کنندگان این پژوهش ضعف و آسیبی است که عدم تطابق درآمدها و هزینه‌های ناشی از تورم بر این قشر گذاشته است. از جمله سوالاتی که در این پژوهش دنبال کردیم عبارتند از: بازنشستگان تورم و گرانی را چگونه درک و تفسیر می‌کنند؟ تورم در زندگی آنان چه معنا و اثراتی دارد؟ چگونه با تورم مواجه شده‌اند؟

پیشینه پژوهش

تحقیقات زیادی در رابطه با تورم توسط متخصصان اقتصاد انجام شده است. اما با نگاه جامعه شناختی کم‌تر به این موضوع پرداخته شده است. دسته‌ای از این تحقیقات در مورد تورم با نگاه اقتصادی تاثیرات جهانی را بر روند تورم و عوامل تورم بررسی کرده‌اند (Kamber & Wong, 2018; Cochrane, 2017). برخی نیز به تأثیر مبادلات تجاری بر بانک‌های مرکزی در هنگام مدیریت تورم (Auer et al, 2017)، پایداری نرخ تورم و عوامل و پیامدهای آن (Chan et al, 2018; Hattori et al 2016; Benigno et al, 2016; Mumtaz & Surico, 2012; Tillman, 2012; Conrad & Eife, 2012) عوامل اقتصادی و سیاست‌های پولی، کاهش تورم و علل و عوامل آن مبنی بر سیاست‌های بانکداری و نظریات پولی و اقتصادی پرداخته‌اند (Zhang, 2011; Bick, 2010; orio & Filrado, 2007B; ابونوری و همکاران، ۱۳۹۲؛ جفره و همکاران، ۱۳۹۱)، برخی تحقیقات نیز نشان داده‌اند که تورم در ایران مبنی بر انتظارات تورمی هستند و تورم تک عاملی نیست (باجلان و همکاران، ۱۳۹۵؛ ختایی و سیفی پور، ۱۳۹۴؛ گلمرادی و انجم شعاع، ۱۳۹۴؛ کمیجانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ عظیمی و همکاران، ۱۳۹۲؛ جعفری صمیمی و حنجری، ۱۳۸۸؛ نیکوآقبال، ۱۳۸۸؛ حسینی و محتشمی، ۱۳۸۷؛ بختیاری، ۱۳۸۵).

تحقیقات اندکی نیز با رویکرد اجتماعی تورم را مورد بررسی قرار داده‌اند (طهرانچیان و همکاران، ۱۳۹۲). تمرکز بر امکان کاهش تورم و اهمیت جهانی سازی بر پویایی تورم نیز مورد توجه برخی محققان بوده است (Auer et al, 2017; Bianchi & Kearns, 2016; Civelli, 2015؛ آل عمران‌ها، ۱۳۹۴، طیب نیا و زندیه، ۱۳۸۸). مرور گذرایی بر مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف نشان می‌دهد تورم عمدتاً یک پدیده اقتصادی و پولی در نظر گرفته شده و کمتر مورد توجه جامعه‌شناسان و محققان اجتماعی بوده است. این در حالی است که تورم، هم از عوامل غیراقتصادی (اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) اثر می‌پذیرد و هم، پیامدهای اجتماعی مهمی دارد. تورم بر نرخ بیکاری، طلاق، آسیب‌های اجتماعی و زندگی روزمره افراد اثر می‌گذارد و بسیاری از نهادهای اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

چارچوب مفهومی

تحقیق حاضر یک تحقیق کیفی است و از همین رو نظریه‌های موجود را عمدتاً با هدف آشنایی مفهومی و حساسیت نظری بصورت مختصر مرور کردیم. نظریه‌های اقتصادی متعددی وجود دارند که تورم را از دریچه عوامل اقتصادی، پولی، عرضه و تقاضا و غیره تبیین کرده‌اند. جامعه‌شناسان نیز به ندرت به این پدیده پرداخته‌اند. در میان حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی، در دهه‌های اخیر جامعه‌شناسی اقتصادی بیشتر به پدیده‌های اقتصادی توجه کرده است. البته جامعه‌شناسان کلاسیک تاکنون همواره مفاهیم و فرایندهای اقتصادی را مد نظر داشتند و برای تحلیل جامعه مدرن، از ویژگی‌ها و مفاهیم اقتصادی استفاده می‌کردند.

گلدتروپ، موضوع تورم را به اقتصاد بازار سرمایه‌داری ربط می‌دهد. وی معتقد است بصورت تاریخی ارزیابی اقتصاددانان و جامعه‌شناسان از اقتصاد بازار سرمایه‌داری متفاوت است. اقتصاددانان تمایل دارند اقتصاد بازار را دارای تمایل ذاتی به ثبات در نظر گیرند، اما جامعه‌شناسان بیشتر بر بی‌ثباتی و پیامدهای بی‌ثبات کننده اقتصاد بازار

بر جامعه تأکید دارند. برای جامعه شناسان، تورم در اقتصاد بازار، نشانگانی (سندروم) از تفکیک و تقسیم‌های اجتماعی است که توسط اقتصاد بازار ایجاد شده است. از این رو برای جامعه شناسان اثری که بر ساختارها و فرایندهای اجتماعی می‌گذارد، مهم است. از نظر گلدتروپ تورم ریشه در تغییر شکل قشربندی جوامع سرمایه‌داری دارد و نشان دهنده این است که تضاد بین گروه‌های و قشرهای اجتماعی عمیق‌تر شده است. در این شرایط قشرهای کمتر برخوردار تمایل به رهایی از محدودیت‌ها و دنبال کردن منافع خود دارند (Goldthrope, 1978: 195).

پولانی و گرانووتر برای تأکید بر اهمیت نقش بستر و عوامل اجتماعی در کنش‌ها و فرایندهای اقتصادی، از مفهوم حک شدگی استفاده کرده‌اند (سوئدبرگ و گرانووتر، ۱۳۹۵). حک شدگی به معنای احاطه شدن کنش‌های اقتصادی در شرایط اجتماعی و فرهنگی است. پولانی در برابر مفهوم حک شدگی، از مفهوم فک شدگی استفاده می‌کند و آن را مربوط به شرایطی می‌داند که کنش‌های اقتصادی تحت تسلط اقتدار اجتماعی یا غیراقتصادی نباشند. در چنین شرایطی کنش‌های اقتصادی به کنش‌های تخریبی تبدیل می‌شوند. براساس این مفهوم می‌توان گفت ناپایداری، فشار و تورم اقتصادی می‌توانند یکی از مهم‌ترین شرایط زمینه‌ساز فک شدگی و رها شدن کنش‌ها و پدیده‌های اقتصادی از ساخت اجتماعی باشند. از نظر پولانی، سرمایه‌داری موجب شده که به جای این‌که جامعه بر اقتصاد حاکم باشد، اقتصاد بر جامعه حاکم است. به جای این‌که نظام اقتصادی در روابط اجتماعی حک شوند، این روابط آنند که در نظام اقتصادی حک شده‌اند (سوئدبرگ و گرانووتر، ۱۳۹۵: ۱۱۹).

پولانی استدلال می‌کند که اقتصاد بازار با جدایی از سایر نهادهای اجتماعی، تمایل دارد که بر آن نهادها مسلط شود. اگر اقتصاد بازار بدون نظارت بماند، در سایر نهادها نفوذ کرده و ایجاد مزاحمت می‌کند. زمانی که بازار خود تنظیم کننده می‌شود بجای این‌که نظام اقتصادی در روابط اجتماعی جای داده شود، روابط اجتماعی در نظام اقتصادی جای می‌گیرد. از نظر پولانی، در چنین وضعیتی، اقتصاد تأثیر عمیقی بر

فرهنگ می‌گذارد. زبان بازار بر زندگی اجتماعی حاکم می‌شود و بر این اساس تأکید زیادی بر انگیزه‌های اقتصادی در فرهنگ صورت می‌گیرد (Bernburg, 2002: 734).

بورديو نیز معتقد است اقتصاد را می‌توان یک میدان مفهوم پردازی در نظر گرفت. یعنی به مثابه ساختار روابط واقعی و پویا، هر میدان منطبق و منفعت و علاقه خاص خود را دارد. کنشگران فردی در میدان اقتصادی عادات اقتصادی را با خود می‌آورند که کنش‌های آینده را با کنش‌های گذشته مرتبط می‌کند. بر اساس نظر بورديو منفعت است که کنشگر را برای شرکت در یک میدان هدایت می‌کند. بر اساس نظر بورديو منفعت است که آنجا وجود دارد و کنشگر را به مشارکت می‌کشاند و قانع می‌کند که بازی ارزش بازی کردن را دارد و این که منفعت سهم ایجاد می‌کند و از این طریق است که ارزش پیگیری را دارد (سوئدبرگ، ۱۳۹۵). بنابر نظریه بورديو افراد در میدان اقتصادی امروزه بر اساس منفعت عمل می‌کنند. نظریه زیست جهان هابرماس نظریه پرداز حائز اهمیت دیگری است که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.

زیست جهان به حوزه‌ای از رفتار اشاره دارد که در آن هماهنگی میان کنشگران و نظم و قاعده از طریق باورها و ارزش‌های مشترک حاصل می‌شود. در زیست جهان انسان‌ها برای ساختن هویت‌ها، مذاکره درباره تعریف موقعیت‌ها، هماهنگ کردن کنش‌ها و ایجاد انسجام اجتماعی، از رسوم و سنت‌های فرهنگی کمک می‌گیرند. زیست جهان نه تنها مستلزم معانی مشترک که نیازمند استراتژی‌هایی برای هماهنگ کردن منابع و کنترل نیروهای طبیعی و اجتماعی است. در زیست جهان رویکرد کنش به سمت درک متقابل است. هابرماس از استعمار زیست جهان سخن می‌گوید. او عقلانیت علمی-فنی-اداری و نخبگانی را مجسم می‌کرد که کنترل زندگی روزمره را در اختیار دارند (سیدمن، ۱۳۸۶: ۱۷۶). در وضعیت اقتصادی جامعه امروز و شرایط تورمی، مطابق با نظریه هابرماس می‌توان استعمار زیست جهان یا به عبارتی استعمار زندگی روزمره افراد را توسط سیستم یا همان نظام اجتماعی مشاهده کرد. قواعد و هنجارهایی که توسط نظام اجتماعی تجویز می‌شوند و بر زندگی روزانه افراد سیطره می‌یابند.

مفهوم زیست‌جهان از نظر شوتس، چارچوب‌های فرهنگی و از پیش تعیین شده زندگی اجتماعی و تأثیر آن بر افکار و کنش‌های کنشگران را در برمی‌گیرد. شوتس بیشتر از همه به الگوهای اعتقادی و کرداری که فرهنگ تجویزشان می‌کند و از طریق اجتماعی انتقال می‌یابند علاقه‌مند بود. چارچوب‌های فرهنگی که از بیرون بر ما تحمیل می‌شوند، ساخت فردی و جاری، واقعیت را در بر نمی‌گیرد، بلکه در جهت مقید ساختن کنشگران و اعمال محدودیت‌هایی بر رفتار روزانه‌شان عمل می‌کند. این چارچوب، مسیرهای کنش از پیش آماده شده، راه حل‌های مسائل و تفسیرهایی از جهان اجتماعی و نظایر آن، را در اختیار کنشگران می‌گذارد و کنشگران در موقعیت‌های غیرتردیدآمیز گرایش به این دارند که به الگوهای واکنش عاداتی توسل جویند (ریتزر، ۱۳۷۶:۳۴۳).

در مجموع می‌توان گفت با توجه به شرایط فعلی حاکم بر جامعه و سیطره و حاکم بودن اقتصاد بر جامعه و اقتدار پولی و اقتصادی شکل گرفته در جامعه که از قدرت و نفوذ کامل برخوردارند و همچنین با توجه به نقش پررنگ میدان اقتصادی و گره خوردن منافع افراد در میدان اقتصادی و تسلط و اقتدار کامل آن و نفوذ بر کلیه ابعاد زندگی اشخاص و هدایت و عمل افراد بر اساس مؤلفه‌ها و گزاره‌های تعیین شده، شاهد شکل‌گیری کنش‌های اقتصادی خاصی هستیم که مهم‌ترین پیامد این میدان اقتصادی و قدرت آن و همچنین کنش‌های اقتصادی متأثر از آن، ایجاد تورم و افزایش روزافزون آن می‌باشد.

روش پژوهش

رویکرد استفاده شده در این پژوهش رویکرد کیفی و روش اجرای آن نظریه داده‌بنیاد برساخت‌گرا (Charmaz, 2006) است. چارمز در رویکرد خود از نظریه داده بنیاد، بر ارائه یک پرتره تفسیری از جهان مورد مطالعه تأکید دارد. بنابراین در این رویکرد تفسیر

مشارکت کنندگان دارای اهمیت است. مشارکت کنندگان شامل ۳۳ نفر از مردان بازنشسته ۵۰-۸۰ ساله ساکن در شهر اصفهان هستند. نمونه‌گیری مبتنی بر نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی است. یعنی موردهایی را به صورت هدفمند انتخاب کردیم که در حیطه موضوع ما آگاهی داشته و درگیر باشند. از همین رو ملاک ورود مشارکت کنندگان به نمونه تحقیق، بازنشسته بودن و تمایل به همکاری در فرایند مصاحبه‌ها بود. در ابتدا یک مشارکت کننده از طریق مراجعه به کانون بازنشستگان شناسایی شد و بعد از جلب رضایت قرار همکاری تعیین شد و سپس در مراحل بعد هر مشارکت کننده، مشارکت کننده بعدی را معرفی می‌کرد. علاوه بر این چند مورد نیز بحث گروهی انعطاف پذیری با بازنشستگان در یکی از پارک‌های شهر داشتیم.

تلاش شد تا از بازنشستگان در سنین مختلف و با دوره‌های بازنشستگی و درآمدهای متفاوت نمونه‌ها انتخاب شوند. نمونه‌گیری را تا زمان تکراری شدن حرف‌ها و رسیدن به اشباع ادامه دادیم. زمانی که به اطمینان رسیدیم دیگر حرف جدیدی مطرح نمی‌شود و امکان ساخت مفهوم تازه‌ای نیست، مصاحبه‌ها قطع شد. از جمله سوالاتی که در طی مصاحبه مطرح کردیم عبارت‌اند از این‌که: این روزها با گرانی و تورم چه می‌کنید؟ نظر شما در مورد گرانی اجناس و خدمات چیست؟ در شرایط گرانی اجناس چگونه سعی می‌کنید زندگی را اداره کنید؟ گرانی چه اثراتی در زندگی شما و خانواده‌تان داشته؟ این سؤالات اولیه و کلی، دستمایه گفتگویی دوطرفه بین ما و مشارکت کننده بود و در هر مورد تفسیر و تجربه فرد را می‌شنیدیم و یادداشت بر می‌داشتیم. بنابراین می‌توان گفت از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته برای گردآوری داده‌ها استفاده شد، که با کسب اجازه از مشارکت کنندگان، مصاحبه‌ها ضبط می‌شد. هر مصاحبه‌ها بسته به علاقه و کیفیت پاسخ‌های مشارکت کنندگان بین ۳۰ دقیقه تا ۱ ساعت و ۳۰ دقیقه طول می‌کشید. در جدول زیر ویژگی‌های مشارکت کنندگان آمده است.

جدول ۱- مشخصات مشارکت کنندگان

سن	درآمد (ریال)	سازمان بازنشستگی
۵۵-۵۰ (نفر ۳)	۳۰۰۰۰۰۰-۲۰۰۰۰۰۰ (نفر ۱۱)	وزارت نیرو (۳ نفر)
۶۰-۵۵ (نفر ۴)	۴۰۰۰۰۰۰-۳۰۰۰۰۰۰ (نفر ۷)	آموزش و پرورش (۵ نفر)
۶۵-۶۰ (نفر ۱۳)	۵۰۰۰۰۰۰-۴۰۰۰۰۰۰ (نفر ۵)	شرکت نفت (۶ نفر)
۷۰-۶۵ (نفر ۸)	۶۰۰۰۰۰۰-۵۰۰۰۰۰۰ (نفر ۵)	تأمین اجتماعی (۶ نفر)
۷۵-۷۰ (نفر ۳)	۷۰۰۰۰۰۰-۶۰۰۰۰۰۰ (نفر ۳)	ارتش (۶ نفر)
۸۰-۷۵ (نفر ۲)	۸۰۰۰۰۰۰-۷۰۰۰۰۰۰ (نفر ۱)	ذوب آهن (۳ نفر)
	۸۰۰۰۰۰۰ و بالاتر (۱ نفر)	آزاد (۴ نفر)

داده‌های به دست آمده از طریق مصاحبه را با تکنیک کدگذاری نظری (استراوس و کوربین، ۱۳۸۹) تجزیه و تحلیل کردیم در این تکنیک، داده‌ها در سه نوع باز، محوری و گزینشی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در واقع اساس این نوع کدگذاری ساخت مفاهیم براساس داده‌های حاصل از مصاحبه و مشاهده است. در این پژوهش ابتدا داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها را به متن تبدیل کردیم و بعد از تقطیع متن، به هر بخش با معنا از گفته‌های مشارکت‌کنندگان، یک مفهوم الصاق کردیم. این مرحله همان کدگذاری باز است و در طی آن تعداد ۲۰۰ مفهوم ساختیم. در مرحله بعد، مفاهیم برساخته اولیه که از نظر معنا به یکدیگر نزدیک بودند را در هم تلفیق کردیم و یک مفهوم انتزاعی‌تر به آن دادیم و از این طریق مقوله‌های اصلی تحقیق شکل گرفت. در این نوع کدگذاری ابعاد هر مفهوم و ربط بین آنها را مشخص کردیم. در مرحله توسعه مقوله‌ها با توجه به کدهای تکرار شونده، کل اطلاعات در قالب ۷ مقوله اصلی دسته بندی شد. نهایتاً در مرحله کدگذاری گزینشی، مقوله نهایی تحقیق که برآیندی از مقوله‌ها و مفاهیم برساخته تحقیق است را ساختیم. این مقوله (تنگنای زیست جهان سالمندی) نمایندگی کننده معنای اصلی حاکم بر پدیده اصلی تحقیق ما، یعنی تورم برای بازنشستگان است.

اعتبارپذیری: برای دستیابی به اعتبارپذیری، نخست تکنیک کنترل توسط اعضاء را بکار بردیم به این معنا که بعد از تحلیل یافته‌ها از مشارکت‌کنندگان خواستیم تا یافته‌ها را ارزیابی کرده و در مورد صحت آن نظر دهند و سپس از کنترل توسط هم‌تایان علمی و خبره در مورد موضوع مورد بررسی استفاده کردیم. همچنین برای اطمینان از منابع داده خام و کنترل آن، مصاحبه‌ها ضبط و تایپ شده، فهرست مصاحبه‌شوندگان تهیه شده و کلیه فرایندها تحلیل داده‌ها تایپ و ذخیره شده است.

ملاحظات اخلاقی: در فرایند گردآوری و تحلیل و گزارش یافته‌ها سه اصل اخلاقی مهم در تحقیقات اجتماعی (آگاهی، رضایت، رازداری) را در نظر داشتیم و رعایت کردیم. قبل از انجام مصاحبه، هدف و موضوع تحقیق را برای مشارکت‌کنندگان توضیح دادیم و سپس با جلب رضایت بازنشستگان، مصاحبه انجام شد. ضمن این‌که به دلیل حساسیت موضوع مصاحبه‌ها و اسامی کاملاً محرمانه و تنها نزد نویسندگان قرار گرفت و در حین مصاحبه و گفتگو منزلت مشارکت‌کنندگان رعایت شد.

یافته‌ها

داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با بازنشستگان در قالب مفاهیم و مقوله‌های اصلی تدوین شد. در فرایند تحلیل این داده‌ها ۷ مقوله اصلی به دست آمد که به تفکیک به همراه مفاهیم (مقوله‌های فرعی) در جدول زیر آمده است.

جدول ۲- مفاهیم و مقوله‌های برساخته از مصاحبه‌ها

مفاهیم	مقوله
<p>ناتوانی در رفتن مسافرت، مشکل در تأمین مخارج درمانی، حذف ریخت و پاش، مراعات در مصرف انرژی، نداشتن تعریج، در صف قرار دادن نیازها، محدودیت در انتخاب‌ها، افزایش درمان خانگی، نابرابری هزینه و درآمد، ناهمخوانی تورم و حقوق، بی ارزش شدن درآمدها، فقیر شدن بیشتر، هزینه‌های بالا، توزیع نابرابر درآمدها</p>	<p>سازگاری معیشتی</p>
<p>ناتوانی در برآوردن انتظارات فرزندان، ناتوانی در حل مشکلات فرزندان، عدم امکان کمک به فرزندان، کم کردن ماهیانه فرزندان، حذف کلاس‌های آموزشی فرزندان، مشکل پرداخت شهریه دانشگاه، مشکل تأمین جهیزیه، شرم‌نده شدن برابر فرزندان، محتاج فرزندان شدن، نگرانی در مورد خوشبختی فرزند، نگران آینده فرزند، عدم توانایی هزینه برای نوه‌ها و حذف قهرمانی پدر</p>	<p>کاهش توان حمایت از فرزندان</p>
<p>توقعات بالای فرزندان، عدم درک فرزندان، بیکاری فرزندان، منتظر ارث پدر بودن، بی توجهی فرزند به توان پدر، توقع اشتغال مجدد پدر، بازخواست پدر، راحت طلبی فرزندان، دشنام و ناسزا به پدر، محکوم کردن پدر، زیر سؤال بردن زحمات پدر، قدرناشناسی، از بین رفتن حرمت‌ها، منفعت طلبی فرزندان، کاهش کنترل خانواده و بی پروا شدن فرزندان</p>	<p>دشواری انتظارات فرزندان</p>
<p>افزایش فکر و خیال، غرق شدن در تنهایی، افزایش تنش، اضطراب، افزایش غصه، افزایش حرص و جوش، احساس سرخوردگی، افسردگی، احساس درماندگی، خستگی، طاقت فرسایی، بهت زدگی، ناچاری در سازش، پرخاشگری، فحاشی، زیر سؤال رفتن شرافت، بیماری روحی، اختلالات روانی، کم شدن صبر و حوصله، کاهش انرژی، کاهش نشاط، گوشه گیر شدن، خلوت‌گزینی و آشفتگی ذهنی</p>	<p>فرسایش روانی</p>
<p>هجوم مردم در گرانی، تصمیمات نسنجیده، واکنش‌های آنی، برخوردهای بدون فکر، چند دستگی مردم، کنش‌های نادرست، عدم همبستگی، تنها به فکر خود بودن، بی تفاوتی، عدم مشارکت‌های دوستانه، نبود همرنگی، عادت به صف ایستادن، عادی‌پنداری، رفتارهای تصنعی، مصرف‌گرایی، نبود حس برادری، بی توجهی به آینده، ترس از گرانی بیشتر و سود طبقات بالا در تورم،</p>	<p>کاهش همبستگی اخلاقی</p>

محدودسازی تعاملات	کاهش دیدارهای فامیلی، بسته شدن درهای خانه، دیدارهای سالیانه، کم کردن حضور در مراسم، سخت شدن دعوت از مهمان، پذیرایی محدود، حذف تجملات، حذف سفره‌های رنگین، دورهمی های سراسر ناله، افزایش فاصله و دوری، شکاف در روابط، مصنوعی شدن روابط، محبت‌های تصنعی، فرار از مهمان، کم‌رنگ شدن تعارفات، سرد شدن روابط، سست شدن پیوندها و پوچ شدن پیوندها
فرسایش هنجاری	سست شدن ایمان، آسان‌گیری دینی در فرزندان، حسرت گذشته، بی‌انصافی در قیمت‌ها، ضعف همدلی، کاهش درستکاری، افزایش اعتیاد، دزدی، عدم تعهد، تضعیف اخلاق مداری، خشک شدن عواطف، سرگردانی، طلاق، افزایش رفتارهای نابهنجار، زیر پا گذاشتن عرف، پیمان شکنی، افزایش نزول، رواج بی‌رحمی، هنجارشکنی و دور زدن قانون

سازگاری معیشتی

بر اساس دیدگاه اغلب مشارکت‌کنندگان، بین درآمدها و هزینه‌های زندگی آنها هماهنگی وجود ندارد و از همین رو تلاش می‌کنند به شیوه‌های مختلفی معیشت خود را تأمین و با شرایط فشار گرانی و تورم سازگار کنند. آن‌ها تلاش می‌کنند هزینه‌های اضافی را حذف کنند، فقط به نیازهای اساسی فکر کنند و در این مسیر تفریح و فراغت را کم‌رنگ می‌کنند. این‌ها در واقع سازوکاری برای سازگاری معاش و تطبیق خود با شرایط تورمی است. آن‌ها ناهماهنگی بین درآمد و هزینه زندگی روزمره را درک می‌کنند و از آن به عنوان یک چالش جدی در سال‌های پایان عمر یاد می‌کنند. مشارکت‌کننده شماره ۵ (۷۱ ساله و بازنشسته آموزش و پرورش) می‌گوید:

«حقوقا خیلی پایینه. اخه با ماهی ۲۸۰۰ با اینهمه نوه و بچه چه جوری میشه زندگی کرد؟ اینقدر پول برامون کم میمونه که نمیتونیم ۵۰۰ تومن بذاریم جیبمون با خانمم بریم خونه یکی از بچه‌ها شهرستان. زورمون نمیرسه خونه بچمون بریم اینقدر درآمدها پایینه و قیمت‌ها بالا وحشتناک زیاد شده».

بنابر گفته‌های مشارکت‌کنندگان، حتی امکان مسافرت و داشتن حداقل رفاه نسبی را نیز برای یک بازنشسته ایجاد نکرده‌اند. مشارکت‌کننده شماره ۱۱ (۶۸ ساله و بازنشسته تأمین اجتماعی) می‌گوید:

«حقوق من ماهی ۲۹۰۰، ۵ تا بیچه دارم ۴، تا نوه شما بین همیشه زندگی کرد،
خونه ام ندارم مستاجر، هیچی از حقوقم نمیمونه. الان ۵ ماه پیش دکتر به من
گفت بیا چشمت و عمل کن آب آورده پول ندارم پول نیست تو خورد و
خوراک زندگیمون موندیم نمیتونیم یه چیز کوچیک واسه بیچه هام بخریم»

با توجه به اظهارات مشارکت‌کنندگان، کمی درآمد در کنار فشار مالی ناشی از گرانی، موجب حذف بسیاری از بریز و پاش‌ها نیز شده است. این واقعیت قابل انکار نیست که صرفه‌جویی، پرهیز از اسراف و ولخرجی و کنترل هزینه‌ها، در سطوح مختلف قابل ملاحظه است. این شاید یکی از مهم‌ترین پیامدهای تورم در سطوح خرد و کلان است. تورم جامعه‌ای را که عادت به عدم کنترل هزینه‌ها و اسراف کرده، و ادار به صرفه‌جویی و هزینه منطقی و عقلانی می‌کند. این می‌تواند نشان‌دهنده سازگاری فعال با شرایط تورمی از سوی جامعه باشد.

کاهش توان حمایت از فرزندان

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت بخش زندگی فردی و اجتماعی والدین، حمایت از فرزندان و ایفای نقش به عنوان تکیه‌گاه فرزندان است. این مؤلفه در فرهنگ ایرانی یک انتظار و نقش دوسویه است که والدین و فرزندان آن را در ذهن و زندگی روزمره دنبال می‌کنند. این مؤلفه برای پدر ایرانی به شکل برجسته‌تری وجود دارد. انتظار از خویشتن برای حمایت از فرزندان و در عین حال ناتوانی مالی برای ایفای این نقش، از بازنشستگان مشارکت‌کننده در این مطالعه به تکرار شنیده شد. از نظر آنها در شرایط تورمی وضعیت اقتصادی خانواده‌ها دچار نوسان شده است و از توان حمایتی آنان کاسته شده است. مواجه شدن با فشار اقتصادی، قدرت و توان حمایتی پدران را

به شدت کاهش داده است و آنها دیگر قدرت حمایتی سابق را ندارند. مشارکت‌کننده شماره ۳ (۶۲ ساله و بازنشسته تأمین اجتماعی) می‌گوید:

«من ماهی دو میلیون و هفتصد هزار تومن حقوق می‌گیرم، تو این تورم با این حقوق چه جوری میشه پشتیبان بچه‌ها بود. من دو تا نوه دارم اینقدر خجالت می‌کشم اینارو می‌برم بیرون. حتی یه شهر بازی بخوام ببرم باید حداقل ۵۰ تومن داشته باشم، ندارم، اینقدر شرمنده میشم که اینارو می‌برم بیرون و هیچی نمی‌تونم بخرم براشون، خود دخترم کم میاره میاد میگه، بابا پول ندارم بهش کمک کنم نمیتونم برم دو تا مرغی یه گوشتی چیزی بخرم واسشون. اخه قدرتم نمیرسه با این قیمتا».

پدری که تا پیش از تورم فرزندان خود را بعد از ازدواج نیز در حمایت خود داشت حال تورم و چالش‌های اقتصادی توان او را برای ادامه حمایت خود از فرزندان سست کرده است. مشارکت‌کننده شماره ۷ (۶۶ ساله و بازنشسته شرکت نفت) می‌گوید:

«من دو تا پسر دارم سه تا دختر که هیچ کدوم ازدواج نکردن. همشون تحصیل کردن لیسانس و فوق لیسانس ولی کار نیست از کجا بیارم جهاز بدم، من ماهی ۴۷۰۰ حقوق می‌گیرم خونه‌ام ندارم، پسرمام بیکارن، تو خونه نمی‌تونم هیچ قدمی براشون بردارم نمیتونم کاری براشون انجام بدم، باز قبلاً سعی می‌کردم هر چی میخوان کم و بیش بخرم براشون، دیگه این چند ساله همونم نمیتونم بخرم، نه از دستم برمیاد شغلی براشون راه بندازم نه بخوام کمک کنم زن بگیرن، فقط همون خرج خورد و خوراک که به زور بر میام».

کاهش توان پدر از یک طرف و انتظارات و خواسته‌های تحقق نیافته فرزندان از طرف دیگر، اسباب دوری و تنش را در خانواده ایجاد می‌کند. می‌توان گفت یکی از مهمترین آسیب‌های کاهش توان حمایت از فرزندان که در نتیجه تورم شکل گرفته و توسعه می‌یابد، افزایش شکاف بین فرزندان و والدین می‌باشد. هر چه تورم گسترده‌تر می‌شود این شکاف بین والدین و فرزندان بیشتر شده و وسعت می‌یابد تا جایی که ممکن است فرزندان نسبت به والدین خود خصوصاً پدر منفعل شوند.

دشواری انتظارات فرزندان

مشارکت کنندگان از فشارهایی که از جانب فرزندان بر آنها وارد می‌شود معترض بوده و اعتقاد داشتند شرایط تورمی خواسته‌ها و نیازهای جوانان را افزایش داده و توقعات آنها از پدر و خانواده بیشتر از توان آنان است و همین انتظارات از جانب فرزندان تحمل زندگی را برای آنها سخت کرده است. تورم فزاینده توان و قدرت بازنشستگان را محدود ساخته است و عدم درک فرزندان و افزایش سطح توقعات آنها و زیر فشار قرار دادن پدر، زندگی در شرایط تورمی را برای پدران بازنشسته سخت‌تر کرده است. توقع فراهم نمودن زندگی راحت و به دور از زحمت توسط پدر از جانب فرزندان دغدغه‌ها و چالش‌های پدران بازنشسته را افزایش داده است. مشارکت کننده شماره ۳۱ (۶۷ ساله و بازنشسته شرکت نفت) می‌گوید:

«بچه‌های الان خیلی پر توقع شدن، پسر صبح از خواب بیدار میشه میخواد صبحانه‌اش تخم مرغ باشه گردو باشه خامه باشه مریا باشه میخواد کامل همه چی اُکی باشه، درکم نمیکنن چقدر گرونیه نمیفهمن تورم چقدر زیاد شده فقط میخوان تا یه چیزی ام میگی میگن میخواستین بچه نیارین. پسر ۳۰ سالشه تو خونه بیکاره من بگم ندارم میگه برو دوباره کار کن به من میگه بابا برو به جا سر کار، من الان رو تاکسی‌ام دارم کار می‌کنم، چیکار کنم».

مقایسه‌ها و چشم و هم‌چشمی‌ها در جامعه امروز، بر انتظارات و خواسته‌های فرزندان از پدر افزوده است و این درخواست‌ها برای پدر فشار مضاعفی را ایجاد کرده و تحمل و رنجش وضعیت طاقت فرسای تورمی را برای آنها چندین برابر نموده است. مشارکت کننده شماره ۲۰ (۶۱ ساله و بازنشسته وزارت نیرو) می‌گوید:

«من یه خونه ویلایی دارم دو تا پسر دارم ازدواج کردن چند روز پیش اومدن به من میگن بابا خونه رو بفروش برو به جا کوچیک تا ما خونه بخریم. گفتم یه کم دیگه صبر کنین من چقدر دیگه عمر می‌کنم مگه. میگن اووه حالا ما تا کی صبر کنیم تو بمیری. فقط منتظرن بمیری بینن چقدر پول بهشون میرسه. پول کم میارن پدر مقصره همه بد و بیراهشون به پدر بعد از اینهمه سال سختی و زحمت آخرشم باید اینجوری جواب بدن بهت».

جوانان در شرایط انتظارات بالا به سر می‌برند و انتظار دارند پدر و مادر نیازهای آنها را با توجه به استانداردهای روز برآورده کنند. همین امر والدین را در دشواری انتظارات قرار می‌دهد. به علاوه جوانان در شرایط تورمی بر مبنای منافع خود عمل می‌کنند و گاه این منافع و توجه به آن در تضاد با منافع والدین می‌باشد و همین امر والدین را در نقطه مقابل انتظارات فرزندان قرار می‌دهد و فشارهای متحمل شده بر والدین را افزایش می‌دهد.

فرسایش روانی

فرسایش روانی به این معناست که بازنشستگان مشارکت کننده در این مطالعه، خود را از نظر روانی در وضعیتی از اضطراب و استرس در اثر فشارهای مالی احساس می‌کنند. آنها در صحبت‌های خود مکرر به این‌که آرامش و آسایش روانی و روحی آنها تحت تأثیر قرار گرفته است و دچار بی‌قراری، کم‌طاقت شدن و مواردی از این دست شده‌اند اشاره کرده‌اند. مشارکت کنندگان در مواجه شدن با وضعیت سرشار از استرس و نگرانی و واکنش‌های تند و پرخاشگری احساس مشترک داشتند. آنها بیان می‌کردند تورم و تنگدستی حاصل از آن، باعث کم‌حوصله شدن و عصبانیت‌های مداوم در آنان شده است. مشارکت کننده شماره ۱۱ (۶۲ ساله و بازنشسته ارتش) می‌گوید:

«من حوصله ندارم تا پسر می‌گه پول بده می‌گم ندارم، سریع دعوا می‌شه دو تا حرف بهش می‌زنم یه دادم می‌زنم هر روز این تنش و درگیری و داریم از صبح که چشم‌امون باز میشه تا شب، چون ندارم بدم تحمل کم شده صبرم کم شده از بس فشار رومه».

تلاش برای سازگاری با گرانی و تحمل بی‌پولی آرامش روانی بازنشستگان را کاهش داده و استرس و نگرانی را جایگزین کرده است. مشارکت کننده شماره ۲۳ (۷۰ ساله و بازنشسته آموزش و پرورش) می‌گوید:

«من لیسانس و معلم بودم ۳۰ سال زحمت کشیدم حالا با این حقوق اصلاً یه لحظه نمیتونم فکر نکنم و خیالم راحت باشه، همش دارم غصه می‌خورم همش به خودم فحش میدم این زندگی نیست که دارم بچه‌هام باید سختی بکشن دلم میخواد همش تنها باشم فرار می‌کنم از خونه که نبینم بچه‌هام و که غصه اونارو نبینم میام تو پارک میشینم. با این همه تورم و گرونی همش تحت فشار و استرس باشم».

فشار حمل بار مسئولیت‌های زندگی در شرایط تورمی، بازنشستگان را در بحران روحی و رنجش درونی سختی قرار داده است. غوطه ور شدن آنان در فکر و خیال و چگونگی مقاومت در این شرایط، زندگی و گذران آن را برای آنها با چالش روحی مواجه کرده است. تورم به عنوان یک عامل ساختاری، تا درونی‌ترین لایه‌های زندگی و ذهن کنشگران را متأثر می‌کند. چنانچه اظهارات بالا نشان داد، مشارکت کنندگان در اثر تورم، فشار روانی زیادی را متحمل شده‌اند. بنا بر نظریه خودکشی امیل دورکیم، یکی از شرایط و عواملی که سبب ایجاد خودکشی در فرد می‌گردد بحران اقتصادی است. دورکیم معتقد است در صورت فقدان تنظیمات اجتماعی کافی، انسان‌ها نمی‌توانند زندگی‌شان را به شکلی باثبات و منسجم سامان دهند؛ در نتیجه دچار خودکشی آنومیک می‌شوند. در میان مشارکت کنندگان بارها جمله آرزو دارم زندگی‌ام تمام شود را شنیده‌ایم.

کاهش همبستگی اخلاقی

از نظر مشارکت کنندگان، ضعف مسئولیت‌پذیری شهروندان زمینه‌تشدید گرانی را فراهم کرده است. اغلب مشارکت کنندگان بر رفتارهای آنی و نسنجیده شهروندان و عدم حس همدلی و همبستگی بین اقشار مختلف جامعه و همچنین نگاه منفعت طلبانه شهروندان تأکید داشته و آن را دلیلی بر تورم فزاینده می‌دانستند. بنابر گفته‌های آنان بی تفاوتی عموم مردم نسبت به وضعیت یکدیگر و تصمیمات عجولانه مزید علتی بر گرانی بیشتر می‌شود. استقبال از گرانی و ترس از گرانی بیشتر، به کمبود کالاها و

سازه فقر شهری: تجربه مردم‌نگارانه اتوبیوگرافیک ... ۵۱

افزایش بیش از پیش قیمت‌ها می‌انجامد. مشارکت‌کننده شماره ۲۷ (۶۸ ساله و بازنشسته ذوب آهن) می‌گوید:

«مشکل از خود مردم، خودمونیم که در حق خودمون ظلم می‌کنیم وقتی قبل از گرونی با چند تا شایعه پراکنی مردم هجوم میارم واسه خرید، خب معلومه جنس گرون تر میشه خودمون میریم استقبال که گرون کنن. بدون فکر بدون این‌که فکر کنیم بعد عمل کنیم. بدون فکر با هر شایعه‌ای سریع دویسیم تو صف ما حقمونه معلومه هر روز گرونی بیشتر میشه»

وقتی افراد در وضعیت غیرثرومی [غیرطبیعی] قرار می‌گیرند و به عبارتی در تلاش و تقلا برای تطبیق و سازگاری با شرایط هستند به صورت غیرمنطقی و عجولانه تصمیم‌گیری کرده و واکنش نشان می‌دهند. در واقع عمل افراد در شرایط خاص برگرفته از منطق و پشتوانه فکری قوی نیست و همین امر منجر به گرفتن تصمیماتی است که وضعیت جدید را تقویت کرده و به شدت آن کمک می‌کند. مشارکت‌کننده شماره ۱۷ (۵۷ ساله و بازنشسته آزاد) می‌گوید:

«از ماست که برماست، وقتی مردم دلشون واسه هموطن خودشون نمیسوزه وقتی بی تفاوت رفتار میکنن وقتی انبار میکنن، ذخیره میکنن، جمع میکنن چرا گرونی نشه اصن مگه میشه ما شرایط و فراهم کنیم و گرونی نشه. مردم ما در حق همدیگه رحم و مروت ندارن به فکر هم نیستن به فکر اینن که خودشون مشکلشون حل بشه بقیه هم به اونا مربوط نیست، همش دنبال احتکار کردنن، تورم و ما خودمون بوجود میاریم خودمون میخوایم جنس گرون بشه، کسی حس مسئولیت پذیری نداره؛ کسی حاضر نیست نخره تا ارزون بشه»

در شرایط گرانی و تورم، به عنوان یک عامل ایجاد احساس نا امنی و عدم اطمینان، شهروندان به جای همکاری و همدلی، سعی در سبقت گرفتن و رقابت با یکدیگر دارند. شاید به زبان جامعه‌شناسی در این شرایط بتوان از تضعیف همبستگی اخلاقی سخن گفت. شرایطی که در آن هنجارهای اخلاقی کنترل‌کننده رفتار، ضعیف می‌شود و هر فردی فقط به خودش می‌اندیشد. نوعی خودخواهی رواج می‌یابد و

رفتارهای مبتنی بر هنجار متقابل و دیگرخواهی تضعیف می‌شود. در این شرایط فشار اقتصادی، کنشگران اغلب به خودشان فکر می‌کنند و پروژه نجات شخصی را دنبال می‌کنند. در حالی که راه برون رفت از این شرایط اولویت دادن به همبستگی اخلاقی است.

فرسایش هنجارها

فشار ساختاری تورم، در سطح فردی منجر به فشار بر هنجارهای سازنده جامعه می‌شود. این تغییر یا کاهش در هنجارها و باورهای اجتماعی، به دنبال خود افزایش کجروی را خواهد داشت. از جمله پیامدهای منفی تورم اقتصادی ایجاد بی‌اعتمادی و بدبینی و بی‌رحمی افراد نسبت به یکدیگر است. افرادی که با سست شدن اعتقادات و باورهایشان، راهبرد سازگاری با شرایط فعلی را نزول دادن پول و سودجویی از وخامت وضعیت دیگران می‌بینند. بر اساس درک مشارکت کنندگان، فشار اقتصادی سبب تضعیف اخلاق مداری شده است. افراد به دنبال راهی برای نجات از فشار تورم هستند و حتی با دور زدن قانون و پیمان شکنی نیز در تلاش برای پیروزی خود هستند. مشارکت کننده شماره ۱۶ (۵۷ ساله و بازنشسته ذوب آهن) می‌گوید:

«من واسه عروسی پسرم خیلی زیر بار قرض رفتم خیلی سختی کشیدیم تا عروسی بر پا شد، واسه عروسی از یکی از نزدیکا پول قرض کردم ۵ تومن، بعد تا اومدم پس بدم دستم تنگ شده بود طول کشید؛ طرف خود پول و قبول نکرد گفت باید سود این ۶ ماهم بداری روش بدی. اینقدر تو وضعیت الان مردم نامرد و فرصت طلب شدن که کسی به تو فکر نمیکنه هر کی فقط به خودش اهمیت میده».

سخت شدن گذران زندگی در شرایط تورمی و همچنین ناامنی و بی‌اعتمادی به آینده و غیرقابل پیش بینی بودن فشار اقتصادی سبب افزایش خودخواهی در مردم و همچنین در اولویت قرار دادن خود و خانواده‌شان شده است. مشارکت کننده شماره ۲ (۶۷ ساله و بازنشسته شرکت نفت) می‌گوید:

سازه فقر شهری: تجربه مردم‌نگارانه اتوبیوگرافیک ... ۵۳

«مردم بی ایمان شدن، رحم و مروت از بین رفته شرایط خیلی سخت شده فشار زیاده جوونا به فساد افتادن دزدی میکنن تن فروشی می کنن کلاهبرداری می کنن ظلم می کنن، من خودم بزرگترین ترسم آینه بچه هام به تباهی نرن یه وقت فریب نخورن ظلم کنن، دزدی کنن».

سخت شدن تحقق خواسته‌ها و اهداف در وضعیت فعلی اقتصادی راه را برای روی آوردن تعدادی از افراد به استفاده از راه‌های غیرمشروع مانند: نزل، دزدی و کلاهبرداری برای رسیدن به خواسته‌هایشان باز کرده است. شرایط تورم فزاینده و غیرقابل کنترل با ایجاد نوسان و تجدید نگرش در ارزش‌های فرهنگی، پیامدهایی چون تضعیف روحیه اخلاق‌مداری و همچنین افزایش فردگرایی و فساد به همراه دارد.

محدودسازی تعاملات

یکی از مهمترین پیامدهای تورم برای بازنشستگان محدودسازی تعاملات آنان می‌باشد. مشارکت کنندگان بیان داشتند فشار اقتصادی و بالا بودن هزینه مانع از رفت و آمدها و دوره همی برای آنها شده است. نگرانی تأمین معیشت و گذران زندگی، ترس از بی پول شدن و محتاج شدن، مانع از تعاملات شده است. روز به روز ملاقات‌ها و دید و بازدیدها کمتر و کوچک‌تر شده تا حدی که حتی در عید نوروز نیز بسیاری از دید و بازدیدها فاکتور گرفته شده و تنها به افراد و نزدیکان درجه یک بسنده شده است. مشارکت کننده شماره ۲۱ (۷۳ ساله و بازنشسته آزاد) می‌گوید:

«قبلنا اقوام زنگ می‌زدن هر هفته میومدن نهار و شام خونه ما دور هم. الان چند ماهی یه بار زنگ میزنن میگن آگه هستی بعد از شام نیم ساعت بیاید یه چایی بخوریم ببینیمت، بخدا اینقدر ناراحت میشم ولی چاره چیه وقتی اینقدر گرونیه و نمیشه رسوند وقتی هنوز تا ته ماه دو هفته مونده دیگه پولی نیست چه جوری مهمونی بدم»

محروم شدن از تعاملات و رفت و آمدهای نزدیکان به دلیل فشار اقتصادی و گرانی فزاینده و ناتوانی در پرداخت هزینه‌ها خود از جمله عواملی می‌باشد که بازنشستگان را در شرایط روحی نامساعد و فرسایش روانی قرار داده است. مشارکت‌کننده شماره ۱۷ (۷۹ ساله و بازنشسته ارتش) می‌گوید:

«سن من دیگه جوری نیست که بخوام واسه خودم تفریح کنم و برم دنبال لذت، برای من همین که بچه هام و نوه هام دورم باشن لذت بخشه، ولی هر روز که این تورم بیشتر میشه هر بار که میرم خرید و پلاستیک میوه کم‌تر میشه تعداد مرغ و گوشت کم‌تر میشه چه جوری میتونم بچه هام و دورم جمع کنم، قبلاً هر روز پیشم بودن دورم بودن هی کم شد کم شد تا الان دو هفته‌ای یه بار میان اونجا دوره هم».

محدودسازی تعاملات مانع از تخلیه روحی و همچنین ارضاء روحی بازنشستگان می‌شود و از آنجایی که یکی از لذت‌های دوران سالخوردگی و میانسالی دید و بازدیدها و دیدن اعضا خانواده به دور هم می‌باشد این محدودسازی تعاملات سبب افزایش شکاف نسلی و همچنین افزایش فاصله‌های ارتباطی در بازنشستگان شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه به دنبال کشف تجربه و فهم بازنشستگان از زندگی در شرایط تورم اقتصادی بودیم. با ۳۳ نفر از بازنشستگان مصاحبه کردیم و داده‌ها را با روش کدگذاری نظری در قالب ۷ مقوله اصلی سازماندهی کردیم. این مقوله‌ها در واقع چکیده‌ای از تفسیر و تجربه بازنشستگان از تورم است. مقوله‌های برساخته در مطالعه عبارت‌اند از: سازگاری معیشتی، کاهش توان حمایت از فرزند، دشواری انتظارات فرزندان، فرسایش روانی، تضعیف همبستگی اخلاقی، محدودسازی تعاملات و فرسایش هنجارها.

جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، جهان زیر سیطره اقتصاد است و از همین رو تحولات اقتصادی، زندگی افراد و گروه‌ها و جوامع را به راحتی تحت تأثیر قرار

می‌دهد، هنجارها را دگرگون می‌کند و کنش‌ها و فرایندهای انسانی را متأثر می‌سازد. مروری بر مفاهیم ساخته شده نشان می‌دهد که بازنشستگان مشارکت‌کننده در این تحقیق، در زندگی روزمره در حال تجربه یک فشار چندجانبه‌اند. بخشی از این فشار ناشی از واقعیت مالی پدیده تورم و گرانی است که منجر به ناهماهنگی درآمد-هزینه بازنشستگان شده است. اما علاوه بر این، برخی عناصر از زمینه فرهنگی، تحولات هنجاری و اخلاقی و انتظارات اجتماعی، بر این فشارها افزوده می‌شود و زمینه شکل‌گیری تنگنا در زندگی روزمره را فراهم می‌کند. آن‌ها بخشی از این تنگنا را ناشی از فرهنگ مصرف‌گرایی خانواده و فرزندان تفسیر می‌کنند.

چنان‌که در توضیح مقوله‌های تحقیق دیدیم، فرزندان همچنان از پدر انتظار برآورده کردن نیازها را دارند. این فشار با هنجار حمایت پدر از فرزند تقویت می‌شود. یعنی فرهنگ پدرسالار و سنتی، همچنان این انتظار را در خود فرد و خانواده ایجاد کرده است که پدر نقش حمایت‌کننده را ایفا کند. امروزه شاید بتوان گفت مهم‌ترین بُعد حمایت، حمایت مالی است. در شرایط بازنشستگی این توان به خودی خود کاهش می‌یابد. وقتی تورم از راه می‌رسد این ناتوانی تشدید می‌شود. در کنار این شرایط، فشار اخلاقی ناشی از تضعیف همبستگی اخلاقی و هنجاری نیز افزوده می‌شود. بازنشسته نوعی زندگی زیر فشار روزمره را تجربه می‌کند.

این شرایط را ما در قالب مفهوم «تنگنای زیست جهان» بازنمایی می‌کنیم. در چنین شرایطی زیست جهان، توسط نظام اقتصادی، اخلاقی-فرهنگی و اجتماعی زیر فشار و تنگنا قرار می‌گیرد. چنان‌که برخی از جامعه‌شناسان (هابرماس) و پدیدارشناسان (شوتز) به جای زندگی روزمره از مفهوم زیست جهان استفاده کرده‌اند. زیست جهان چنان‌که پدیدارشناسان و جامعه‌شناسان معاصر گفته‌اند، منبع تعاملات است. زیست جهان، زندگی روزانه است که مبتنی بر درک متقابل است. هویت‌سازی و هویت بخشی کنشگران در زیست جهان بر مبنای ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی مشترک حاصل می‌شود. هابرماس نظام‌های اجتماعی شامل اقتصادی، سیاسی و هنجاری- قانونی را از

زیست جهان تفکیک می‌کند و این نظام‌ها را الگوهای ساختارمند و نهادینه شده روابط بین افراد می‌داند که از طریق رسانه‌های کنترل‌کننده مانند پول در فرایند کالایی کردن و قدرت که کنش ارزشی - عقلانی را به الزامات طبیعت گونه تبدیل می‌کند، بر رفتار افراد بوده و موجب سلطه بر زیست جهان می‌شوند (توحیدفام و حسینیان امیری، ۱۳۸۸: ۹۲). نظام (در اینجا اقتصاد و فشار تورمی تولید شده در آن) امکان استعمار زیست جهان را می‌یابد و پویایی‌ها و نیازهای نظام، زیست جهان را مورد هجوم قرار می‌دهد. این شرایط ارتباط آزاد انسانی را که منجر به ایجاد فهم متقابل می‌شود، محدود می‌کند؛ بنابراین سرنوشت افراد، خانواده‌ها و ارتباطات محلی تابع تصمیمات حکومتی یا صنفی می‌شود (Junson, 2008: 411). ن آن از نظر هابرماس ما باید کنترل خویش را بر فرایندهای اقتصادی از نو برقرار کنیم؛ فرایندهایی که کنترل آنها بر ما، بیش از کنترل ما بر آنها است. در نتیجه یکی از موارد قابل ملاحظه تجربه زیسته در شرایط تورمی، تحت کنترل قرار گرفتن کنشگران اجتماعی توسط پول و قدرت برآمده از آن است. پول و اقتصاد و نهادهای بر ساخته از آن، کلاً کنترل زندگی کنشگران در زیست جهان و در واقع تمام عرصه‌های زندگی روزانه کنشگران اجتماعی را در اختیار و سیطره خود قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد این فشار نظام اقتصادی که در دنیای ما بیش از پیش غلبه یافته است، در شرایط تورم و گرانی تشدید می‌شود. به عبارت دیگر، تورم سلطه نظام اقتصادی بر زیست جهان (زندگی روزمره) را دوچندان می‌کند و هنجارهای تعاملی و اخلاقی را بیشتر از گذشته در تنگنا قرار می‌دهد.

از جمله این اختلال‌ها در زیست جهان بازنشستگان و کنشگران اجتماعی می‌توان به کاهش توان حمایتی آنان از فرزندانشان، محدودسازی تعاملاتشان و فرسایش هنجارها اشاره کرد. در شرایط فشار اقتصادی و تورم فزاینده، ارتباطات بازنشستگان به شدت محدود گشته و همین امر باعث شکاف بین والدین و فرزندان و عدم دستیابی به تفاهم متقابل و مباحثه در میان آنان شده است. اقتصاد و نظام اجتماعی به جای ایجاد عرصه‌های شکوفایی و تعاملات بیشتر و آزادانه‌تر، با استعمار زیست جهان، تعاملات

آنان را زیر فشار قرار داده و روز به روز بر محدودیت ارتباطات می‌افزایند. در واقع وضعیت فعلی و تورم روز به روز رشديابنده موجود، کنترل کنشگران بر اقتصاد و قیمت‌ها را به شدت کاهش داده و به گونه برعکسی کنشگران و بازنشستگان را در کنترل و سیطره اقتصاد و تصمیمات آن قرار داده است. اقتصاد با یورش به زیست جهان بازنشستگان و سالمندان حتی در باورها و نگرش‌های آنان نیز اختلال ایجاد کرده است. فرسایش هنجارها و کاهش همبستگی اخلاقی، یکی از مقوله‌های برجسته‌ای است که بازنشستگان در تورم اقتصادی تجربه کرده‌اند. فرسایشی که کنشگران اجتماعی را به این نتیجه رسانده است که در نگرش‌ها و رعایت هنجارهای خود تجدیدنظر کرده و بازبینی‌ای انجام دهند که نتیجه آن ضعف هنجارها شده است.

این شرایط علاوه بر نظریه هابرماس، با تفسیر موجود در نظریه حک شدگی پولانی نیز نزدیک است. با توجه به نظریه حک شدگی پولانی، در جامعه امروزی و در سیطره شرایط تورمی به وضوح شاهد حاکم بودن اقتصاد بر جامعه و بر تمام ابعاد زندگی کنشگران هستیم. سیطره، قدرت و اقتدار اقتصاد بر اجتماع آنچنان گسترده است که کنشگران بدون این که خود آگاه باشند به ابزاری در خدمت پول و در راستای تحقق اهداف اقتصادی بدل شده‌اند. تمام نیازها، خواسته‌ها و اهداف و تلاش‌ها در جهت تحقق اهداف و خواسته‌های اقتصادی چرخ می‌زند. می‌توان از فشار فرزندان مستخرج شده در این راستا نام برد. نفوذ اقتصاد بر جامعه، ذهنیت فرزندان را نیز در سیطره خود در آورده است و انتظارات و خواسته‌های آنان را کلاً به سمت خواسته‌های مادی سوق و جهت داده است. عواطف کم رنگ شده و امیال و خواسته‌های مادی جایگزین آن شده‌اند. حکمرانی اقتصاد و نهادهای برخواسته و کنترل‌کننده آن بر جامعه نگرش جوانان را دچار اختلال کرده است.

پیشنهادها

- به منظور کاهش این تنگنای چند جانبه در زیست جهان سالمندان، لازم است نهادهای مرتبط برنامه ریزی و اقدامات حمایتی و جبرانی را در پیش گیرند. توجه ویژه به بحث بیمه و خدمات حمایتی می‌تواند سالمندان را از برخی مشکلات این شرایط رها کند.
- جامعه ایران در حال تجربه‌های مکرر موج‌های تورمی است. از این رو صندوق‌های بازنستگی باید سازوکار پیش بینی کننده در این موضوع داشته باشند تا بتوانند در دوره‌های رکود و تورم این قشر را مورد حمایت جدی قرار دهند.
- بخش قابل توجهی از بازنشستگان قابلیت فعالیت دارند و لازم است سیاست‌هایی در جهت سالمندی فعال دیده شود.
- سالمندان در عین حالی که نیازمند حمایت جدی هستند، بلکه خود و اطرافیانشان از آنها انتظار دارند که حامی فرزندان و خانواده باشند. لازم است آموزش‌های لازم به خانواده‌ها و اطرافیان سالمندان داده شود تا این انتظارات را مدیریت کنند و از فشار مضاعف بر آنها بکاهند.

منابع

- ابونوری، عباسعلی؛ سجادی، سمیه السادات و محمدی، تیمور. (۱۳۹۲)، «رابطه بین نرخ تورم و نرخ سود سپرده‌های بانکی در سیستم بانکداری ایران»، *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*، شماره ۳، دوره ۱: ۲۹-۳۲.
- آل عمران، رؤیا و آل عمران، سید علی. (۱۳۹۴)، «ارزیابی اثر توزیع درآمد، تورم و نرخ باسواد بر میزان سرقت در ایران»، *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، شماره ۱۰: ۸۷-۱۰۰.
- باجلان، علی اکبر؛ کریمی پتانلار، سعید و جعفری صمیمی، احمد. (۱۳۹۵)، «اثر تمرکززدایی مالی بر تورم در ایران: کاربردی از الگوی رگرسیون انتقال هموار تابلویی»، *مدل سازی اقتصادسنجی*، شماره ۴: ۹-۳۲.
- بختیاری، حمید. (۱۳۸۵)، «پارادوکس تورم در ایران»، *ماهنامه گزارش*، شماره ۱۷۹: ۱۹-۲۳.
- جعفری صمیمی، احمد و حنجری، سارا. (۱۳۸۸)، «هدف گذاری تورم: تأثیر آن بر روند تورم در کشورهای مختلف جهان»، *مطالعات مالی*، شماره ۱: ۱-۱۴.
- جفیره، منوچهر؛ داشگرزاده، خدابخش و عقباتی، محمد. (۱۳۹۱)، «بررسی روند کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی و نقش آن بر شاخص تورم در ایران طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۷۵ و ارائه الگوی مناسب برای مدیریت و کنترل آن»، *فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، شماره ۱۴: ۱۱۸-۱۰۳.
- حسینی، سید صفدر و محتشمی، تکتم. (۱۳۸۷)، «رابطه تورم و رشد نقدینگی در اقتصاد ایران؛ گسست یا پایداری؟»، *پژوهش‌های اقتصادی*، سال هشتم، شماره ۳: ۲۱-۴۲.
- ختایی، محمود و سیفی پور، رؤیا. (۱۳۹۴)، «بررسی الزامات تورم تک رقمی در اقتصاد ایران»، *برنامه ریزی و بودجه*، شماره ۱۳۰: ۳-۳۹.
- ریتزر، جرج. (۱۳۸۶)، *نظریه‌های جامعه شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- سحابی، بهرام؛ سلیمانی، سیروس؛ خضری، سمیه و خضری، محسن. (۱۳۹۲)، «اثرات رشد نقدینگی بر تورم در اقتصاد ایران: مدل‌های تغییر رژیم»، *فصلنامه راهبرد اقتصادی*، سال دوم، شماره ۴: ۱۴۶-۱۲۱.
- سوئد برگ، ریچارد و گرانووتر، مارک. (۱۳۹۵)، *جامعه شناسی اقتصادی*، ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران: انتشارات تیسرا.

۶۰ فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال دهم، شماره ۴۰، پاییز ۱۳۹۸

- سیدمن، استیون. (۱۳۹۳)، *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- طهرانچیان، امیرمنصور؛ جعفری صمیمی، احمد و بالونژاد نوری، روزبه. (۱۳۹۲)، «آزمون پایداری تورم در ایران ۱۳۹۰-۱۳۵۱: کاربردی از الگوهای ARFIMA»، *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، شماره ۱۱: ۱۹-۲۸.
- عرفانی، علیرضا؛ سمیعی، ندا و فرزانه، صادقی. (۱۳۹۵)، «برآورد منحنی فیلیس مرکب کینزینهای جدید برای اقتصاد ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار*، دوره ۱۶، شماره ۱: ۹۵-۱۱۹.
- عظیمی، سیدرضا؛ میری طامه، اشرف السادات؛ تقی‌زاده، خدیجه و صمدی، رضا. (۱۳۹۲)، «بررسی روند و علل تورم در ایران در سالهای ۱۳۸۹-۱۳۹۱ و اقدامات صورت گرفته برای مهار آن»، *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*، شماره ۱: ۵۸-۲۵.
- غفاری، فرهاد و نعیمی‌پژوه، حامد. (۱۳۹۱)، «بررسی آثار تکانه‌های داخلی و خارجی بر تورم در ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های و سیاست‌های اقتصادی*، سال بیستم، شماره ۶۲: ۱۴۲-۱۱۷.
- کانتور، پل و کاکس، استفن. (۱۳۹۴)، *ادبیات و اقتصاد آزادی*، ترجمه: سلما رضوان جو، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- کمیجانی، اکبر؛ بیات، سعید و سبحانیان، سیدمحمدهادی. (۱۳۹۳)، «اثرات غیر خطی تورم بر رشد اقتصادی در ایران به روش حد آستانه»، *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۱۰۱: ۲۲-۳.
- گلمرادی، حسن و انجم شعاع، سجاد. (۱۳۹۴)، «اثرات کوتاهمدت و بلندمدت مخارج دولت و تورم بر رشد اقتصادی در ایران»، *سیاست‌های مالی و اقتصادی*، شماره ۱۰: ۸۹-۱۰۸.
- نیکواقبال، علی اکبر. (۱۳۸۸)، «ارزیابی سیاست‌های اقتصادی دولت برای مهار کردن تورم (با نگاه ویژه به حذف یارانه بنزین در ایران)»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۲۴: ۵.
- هازلیت، هنری. (۱۳۹۱)، *اقتصاد در یک درس*، ترجمه: محسن رنجبر و نیلوفر اورعی، تهران: دنیای اقتصاد.

- Auer, Raphael; Borio, Claudio and Filardo, Andrew. (2017). "The globalization of inflation: the growing importance of global value chains." **BIS Working Papers**, NO 300.
- Auer, Raphael; Levchenko, Andrei and Saure, Philip. (2019). "International inflation spillovers through Input linkages." **The Review of Economics and Statistics**, 101(3), 507-521

- Benigno, Piepaolo and Faia Ester. (2016). “Globalization, pass-through, and inflation dynamics.” **International Journal of Central Banking**, 12(4): 263–306.
- Bianchi, Francesco and Civelli, Andrea. (2015). “Globalization and inflation: evidence from a time varying VAR.” **Review of Economic Dynamics**, 18(2), 406–433.
- Bick, Alexander. (2010). “Threshold effects of inflation on economic growth in developing countries.” **Economics Letters**, 108(2), 126–129.
- Borio, C and A Filardo. (2007). “Globalization and inflation: new cross-country evidence of the global determinants of domestic inflation.” **BIS Working Papers**, No 227.
- Chan, Joshua C., Clark, Todd E. and Koop, Gary. (2018). “A new model of inflation, trend inflation, and long-run inflation expectations.” **Journal of Money Credit and Banking**, 50(1), 5-53.
- Christelisa, Dimitris; Georgarakosb, Dimitris; Jappellic, Tullio and Van Rooij, Maarten. (2020). “Trust in the central bank and inflation expectations.” **International Journal of Central Banking**, DOI, 10.2139/ssrn.2868508.
- Cochrane, John, H. (2017). “Michelson-Morley, Fisher, and Occam: The radical implications of stable quiet inflation at the zero bound.” **NBER Macroeconomics Annual**, 32(1), 51-66.
- Conrad, Christian and Eife, Thomas. (2012). “Explaining inflation-gap Persistence by a time-varying Taylor rule.” **Journal of Macroeconomics**, 34(2), 419-428.
- DeMendonça, Helder Ferreira, and Tiberto, Bruno Pires. (2017). “Effect of credibility and exchange rate passthrough on inflation: An assessment for developing countries.” **International Review of Economics and Finance**, 50: 196–244.
- Engel, Charles. (2013). “Inflation and globalisation: a modelling perspective.” **BIS Papers**, No 70.
- Fueki, Takuji and Maehashi, Kohei. (2019). “Inflation Dynamics in the Age of Robots: Evidence and Some Theory.” **Bank of Japan Working Paper Series**, June, 2019. Available at https://www.boj.or.jp/en/research/wps_rev/wps_2019/data/wp19e09.pdf.
- Goldthrope, Gold. H. (1978). The current inflation: toward a sociological account. in **The Political Economy of Inflation**, (Ed. by Hirsch, F. & Goldthrope, G. H) Cambridge: Harvard University Press: 186-213.

- Hattori, Masazumi; Kong, Steven; Frank, Packer and Sekine, Toshitaka. (2016). "The effects of a central bank's inflation forecasts on private sector forecasts: Recent evidence from Japan." **Bank for International Settlements(BIS) Working Papers**, NO. 585.
- Ihrig, Jane; Kamin, Steven B.; Lindner, Deborah and Marquez, Jaime. (2010). "Some simple tests of the globalization and inflation hypothesis." **International Finance**, 13(3):343-375.
- Kamber, Gunes and Wong, Benjamin. (2018). "Global Factors and Trend Inflation." **BIS Working Papers**, NO 688.
- Kearns, Jonathan. (2016). "Global inflation forecasts." **BIS Working Papers**, No 582.
- Kremer, Stephanie; Bick, Alexander and Nautz, Dieter. (2013). "Inflation and growth: new evidence from a dynamic panel threshold analysis." **Empirical Economics**, 44(2):861-878.
- Lopez-Villavicencio, Antonia and V. Mignon Valerie. (2016). "Exchange rate pass-through in emerging countries: Do the inflation environment, monetary policy regime and institutional quality matter?" **CEPII Working Paper**, No 2016-07.
- Mumtaz, Haroon and Surico, Paolo. (2012). "Evolving International Inflation Dynamics: World And Country Specific Factors." **Journal of the European Economic Association**, 10(4), 716-734.
- Tillman, Peter. (2012). "Has inflation persistence change under EMU?" **German Economic Review**, 13(1), 86-102.
- Zhang, Chengsi. (2011). "Inflation persistence, inflation expectations and monetary policy in china." **Economic Modelling**, 28: 622-629.